

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

۰۸ جون، ۲۰۲۴

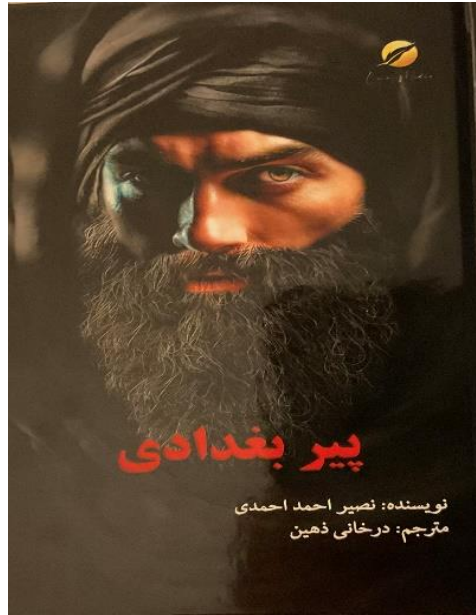
نویسنده: مرحوم نصیر احمد احمدی

ترجمه از پشتو: درخانی ذهین

پیر بغدادی

قسمت اول

با اظهار امتنان از همکار فرهنگی، میرمن درخانی ذهین از ارسال این اثر ارزشمند



﴿ن ج وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾

سورة القلم ﴿۱﴾

سخنی چند در باب کتاب "پیر بغدادی":

کتاب "پیر بغدادی" اثر نویسنده نامدار و متعهد افغان زنده یاد نصیر احمد احمدی در سال ۱۳۹۶ هجری شمسی به زیور چاپ آراسته و به دسترس علاقمندان مطالعه قرار گرفت. این اثر بی نظیر ادبی در کوتاه ترین مدت راه خود را در جمع مانده گارترین آثار ادبیات داستانی معاصر افغانی باز

salamwatanam@gmail.com

کرد و در قطار پرخواننده ترین ناول های افغانی جا گرفت. وزارت اطلاعات و فرهنگ در آن سال این ناول را منیحت ناول سال انتخاب نموده و مقام ریاست جمهوری نویسنده آنرا شایسته مدال دانست .

ناول "پیر بغدادی" مثال خوبی از آثار جاودان این نویسنده است، که هر بند اش پیامی در خود دارد، که با آن چراغی را در ذهن خواننده می افروزد و وی را به ادامه این روشنگری فرا میخواند .
درین ناول تاریکی امروز زنده گی مردم افغانستان به سالهای استقلال، در کنار هم گذاشته میشود و کوشش بعمل مییاید تا از درس های آن روزها برای حل معضلات این روزها استفاده شود. نویسنده در متن این داستان طرح بیداری افکار عامه در جامعه افغانی را ریخته است و میخواهد، که بر همان ماری که همیشه ملت را نیش زده و هم اکنون هم نیش میزند، روشنی بیندازد و این سلسله خونین را نقطه عطف بگذارد .

دریغا که ما هنوز هم از آن همه تلخی ها پند نگرفته ایم و هنوز هم توسط همان مار گزیده و توسط همان اژدها بلعیده میشویم.

خواندن این ناول و طرح روشنگرایانه که درین ناول بافته شده است، مرا واداشت، که آنرا به زبان دری ترجمه کنم و سهم خود را منیحت یک افغان متعهد به بیداری و روشنگری جامعه و منیحت یک مسلمان معتقد به ارزش های دینی در تصفیه کردن این دین پاک از خرافات و عوام فریبی بجا کنم. به گفته حضرت مولانا جلال الدین بلخی که فرموده:

حیف مییاید مرا کین دین پاک

در میان جاهلان گردد هلاک

سالهاست، که استعمار و ایادی آن برای رسیدن به اهداف خصمانه شان در جوامع اسلامی، دین را وسیله ساخته و ناآگاه ترین طبقه را زیر نام دین بر ملت ها مسلط میسازد و آنها هم طبق پلان و فرمان استعمار جامعه را در تاریکی و عقبمانده گی محض نگهمیدارند تا نشود، مردم از حقوق شرعی و مدنی شان آگاه گردند و مقابل سلطه گرایان تاریک اندیش و عقبگرا برخیزند .

سلسله در تاریکی نگهداشتن ملتهای مسلمان آنقدر دوام یافته است، که دیگر طرز دید و اعمال این جاهلین در جهان زیر نام "اسلام" به "غلط مشهور" مبدل گردیده است. بستن دروازه های مکاتب و مراکز تحصیلات عالی بخصوص بروی دختران و زنان افغان و وضع تعزیرات بر حضور دختران و زنان در کتابخانه ها، مراکز فرهنگی و اشتراک در مجالس سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بعد از به قدرت رسانیدن طالبان مثال خوبی بر این ادعاست .

سوال خلق میشود، که چگونه دینی را که با صراحت علیه جاهلیت فرمان میدهد و تأکید به فراگیری علم و دانش و حق طلبی میکند، پیشقراول اش تاریکترین ها شده اند؟ و زیر نام دین، سالهاست که دروازه های مکاتب و مراکز تحصیلات عالی را بروی دختران و زنان بسته اند، تا نه تنها نسل امروز بلکه نسل فردا را هم در تاریکی، عقبمانده گی، فقر، تنگدستی و بیچاره گی نگهدارند و بر آن ظالمانه حکمروایی کنند. جالب است بدانیم که دین مقدس اسلام درین مورد چه میفرماید:

اولین فرمان خداوند بر پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) آیه ذیل بوده است.

﴿ اَفْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴾

سورة العلق ﴿۱﴾

ترجمه معانی: بخوان بنام خدایی که خلق کرد.

در احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) با حدیثی برمیخوریم، که توسط انس بن مالک روایت شده، که میفرماید:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

ترجمه معانی: طلب علم فرض است بر هر مسلمان!

و در جای دیگر یکی از احادیث مشهور دیگر روایت شده توسط ابن باز:

اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ

ترجمه معانی: در طلب علم باشید، از گهواره تا گور.

مکرراً در احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) تأکید به فراگیری علم و دانش شده است، حتی از راه دور. در حدیث دیگری که محدث آن البیهقی است، فرموده شده که:

اطلبوا العلم ولو في الصين.

ترجمه معانی: در طلب علم باشید حتی تا چین.

و به همین ترتیب ده ها آیت و حدیث مبارک دیگر است، که بطور مستقیم و غیر مستقیم به فراگیری علم و دانش تأکید مینماید. دین اسلام به صراحت مسلمانان را ترغیب میکند، که بجویند و بیاموزند. بستن دروازه های مکاتب و مراکز تحصیلات عالی بروی دختران افغان و برای آن اسلام و شریعت را معذرت پیش کردن عملاً خلاف تمام تعلیمات دینی ست .

در کتاب پیر بغدادی بر فتنه گری های استعمار در استفاده از دین برای از پا در آوردن نظام های روشنگر و ترقی طلب و روی قدرت آوردن حلقات تاریک اندیش و عقبگرا روشنی انداخته میشود و خواننده قدم به قدم با چهره واقعی استعمار و شیوه های خصمانه و فتنه گرایانه آن در عقب

نگهداشتن جوامع شرقی آشنا میشود. این داستان جالب و خواندنی به زبان ساده مردمی نوشته شده که بسیار سهل به ذهن خواننده راه مییابد و به پرسش های کی؟ چرا؟ چگونه؟ ای نسل زاده و پرورده در جنگ ما پاسخ میدهد .

سطری چند در باب نویسنده داستان:

نصیر احمد احمدی نویسنده متعهد به ارزشهای والای انسانی بود و اینرا میتوان در لابلای داستانهایش به وضاحت دریافت. از داستان های احمدی میتوان تعهد اشرا به افغانیت و والاتر از آن به انسانیت احساس نمود. آنچه داستانهای وی را از عموم داستان ها مجزا میسازد همانا پیام های نهفته در لابلای متن داستان وی است، که مثل قامت قدرتمندی در هر بند آن خفته است، که اگر بخوانی اش بر میخیزد، قامت می افرازد و علمی را برای روشنگری، آزادی، استقلال طلبی و انسانیت بلند میکند .

احمدی زاده غزنی است، غزنه تاریخی که ریشه هر پیشه اش به روزگاری راه دارد و هر برگش قصه هایی برای گفتن. وی در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی در ولسوالی قره باغ این ولایت زاده شد و در سال ۱۳۵۸ هـ ش شامل مکتب ابتدائی سلطان محمود غزنوی گردید. بعد از اتمام صنف سوم، با خانواده اش به مسیر کابل بار سفر بر بست. وی در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی از لیسه عالی حبیبیه فارغ گردید، ولی نسبت سقوط نظام و آغاز جنگهای داخلی و تنظیمی میان گروه های مجاهدین نتوانست به تحصیلات عالی خود بپردازد و دوباره ناگزیر شد به قریه آبایی خود به ولایت غزنی بکوچد. وی برای دوسال در مکتب متوسطه خان قلعه غزنی منحیث معلم تاریخ و جغرافیه ایفای وظیفه نمود. بعد از آن نسبت شدت جنگهای تنظیمی مجبور به مهاجرت به پیشاور شد و در آنجا در موسسه (DET) استخدام شد و بعد از فراگرفتن کورس یکساله زراعت و هنر باغبانی طی سفر های متعدد به ولایات و قرا و قصبات افغانستان برای مردم اهمیت کشت و کار و هنر باغ داری را میاموختاند .

نصیر احمد احمدی در سال ۱۳۷۶ هـ ش بعد از سپری نمودن امتحان کانکور در پوهنخی زراعت پوهنتون کندهار جذب شد، ولی به نسبت شدت جنگهای داخلی میان گروه های مجاهدین و مسدود شدن پوهنتون ها نتوانست به تحصیل خود ادامه بدهد و ناگزیر به ایران سفر کرد. وی بعد از دوسال کار شاقه در آنجا دوباره به وطن برگشت و در موسسه تعلیمی بی بی سی منحیث پرودیوسر و ایدیتور این برنامه ها بکار آغاز نمود .

نصیر احمد احمدی مسیر نویسنده گی خود را از نوجوانی ها منحصیث نویسنده داستانهای کوتاه آغاز کرد و چهار مجموعه را زیر نام های سیره سیلی، مینه، د واورې سړی و اشر به چاپ رسانید. "بودا او د لیوانو پلونه" اولین ناول وی بود. این سلسله با ناول های دیگر وی از آنجمله خونکار، بوربوکی، یوه خبره درته وکرم، جو جو، اغزن سیم، زرو، بغدادی پیر، پتان، اخ وطنه!، تال، رنگه غورونه و غنی خاله ادامه یافت.

احمدی به نوشتن داستانهای کوتاه و ناول اکتفا نکرده بلکه تجارب خود را منحصیث یک نویسنده زیر نام "رائی چی کیسی ولیکو" گرد هم آورد و به دسترس علاقمندان نویسنده گی قرار داد. ترجمه گوشه دیگری از خدمات ادبی نصیر احمدی احمدی را میساخت. کتاب "په فلسفه کی تلیاتی پېښې" و د معجزې تیره... آثار ترجمه شده توسط وی را تشکیل میدهند.

داستانگونه های دیگر وی را روایت سوانح شخصیت های شهیر وطن از آنجمله ابوریحان البیرونی، باچاخان، موسی شفیق، کاتب هزاره و هاشم میوندوال تشکیل میدهند.

از بخت بد، بتاریخ نزده هم سرطان سال ۱۴۰۰ هجری شمسی هنگامیکه یکی از بزرگترین مصیبت های جهان (کرونا) بر همه سایه افکنده بود، این یکی از بهترین نویسنده گان افغان با هزاران قصه ناگفته اش رخت سفر بی برگشت اشرا بریست و رفت. وی با رفتن خود آثاری از خود بجا گذاشت، بارز و مانده گار، که هر کدام به نوبت خود یاد وی را زنده نگه میدارند.

اینک فرا میخوانم خواننده ارجمندم را به مطالعه متن چاپی این داستان به زبان دری و آرزو میکنم، که این ناول در جدا کردن خوب از بد، راست از ناراست و حق از باطل قدمی باشد محکم و استوار. و در پایان، روح مرد روشن ضمیر، وطندوست و انساندوست، نصیر احمد احمدی را شاد، یادش را گرامی و راه اش را پر رهرو میخوام.

به امید افغانستان آزاد، آباد، آرام، خودکفا و مترقی!

درخانی ذهن، مدیر مسئول و صاحب امتیاز مجله لمر

۲۸ اسد سال ۱۴۰۲ هجری شمسی - ۱۹ اگست سال ۲۰۲۳ میلادی

ایالات متحده آمریکا

پایان قسمت اول

لطفاً بر لینک آتی کلک نموده ممنون سازید:

<http://www.esteqlaal.net/images/Malal-Nezam- Kitab- Peer-Baghdadi.pdf>